

مدیریت اسلامی و ویژگی های اخلاقی مدیران از منظر قرآن و نهج البلاغه

سیامک امینی^۱، حسین حبیبی تبار^۲

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت دانشگاه اسلامی ساوه

^۲ عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی ساوه

نام نویسنده مسئول:

سیامک امینی

مجله علمی پژوهش در مدیریت و مطالعات اجتماعی (سال پنجم)
شماره ۱۵ / بهار ۱۳۹۸ / ص ۸۴-۷۴

چکیده

مدیریت در معنای مصطلح جدید و علمی آن از دانش های نسبتاً جوان بشری به شمار می آید. این دانش البته همچون هر معرفت دیگری در گذشته های تاریخ فکر بشر سابقه داشته است که در جای خود قابل بررسی است؛ چرا که آدمی موجودی است مدنی بالطبع که برای ظهور و بروز بسیاری از رفتار های مدنی خود محتاج مدیریت و رهبری است. بسیاری از دانشمندان اسلامی معتقدند مدیریت اسلامی نوعی مدیریت منتج از جها نبیینی اسلامی است و در کنار دیگر دستاوردهای علمی مدیریت قرار می گیرد. آنها بر این باورند که اسلام به واسطه کمال خود برای همه شؤون مدیریت رهنمودهایی دارد که می تواند به عنوان اصول مدیریت به کار گرفته شوند (تقوی دامغانی، ۱۳۸۳، ص ۸۵). این دیدگاه سال هاست که مبنای تحقیقات نظری فراوانی را تشکیل داده و آنها با مراجعه به متون تاریخی و نیز بررسی متون دینی و بالاتر از همه، بررسی موشکافانه قرآن کریم، به عنوان کتاب راهنمای بشر، به دنبال تعریف قواعد جدیدی در مدیریت هستند؛ قواعدی که فکر می کنند مغایر یا متفاوت با دستاوردهای علمی مدیریت خواهند بود. این در حالی است که توسعه همه رشته های علمی ناشی از شناخت و تحلیل پدیده هایی است که خلقت خداوند محسوب می شود و این شیوه مطابق با اصول قرآن است. تلاش ما در این پژوهش تبیین مدیریت اسلامی و ویژگی های اخلاق مدیران از منظر قرآن و نهج البلاغه است.

واژگان کلیدی: مدیریت، مدیریت اسلامی، اخلاق، قرآن، نهج البلاغه

مقدمه

تلاش اندیشمندان عرصه مدیریت، تلاش قابل تمجید و ستایش است که با ارائه تئوریه‌ها و نظریه‌های سازنده مدیریتی، توانسته است این مقوله را نهادینه کرده و بهره‌وری را افزایش دهد و در روابط اجتماعی پیشرفت حاصل شود. صاحب‌نظران علم مدیریت از هر دین و ملت با جهاد فکری، بسیاری از معضلات را (برای در تمامی حیطه‌های مدیریت؛ مانند دولتی، صنعتی، اجرائی،) مدیران خط مقدم شهری و ... گشوده‌اند و این زحمات قابل انکار نیست و برداشت «مدیریت» به نظر می‌رسد نگاهی هر چند اجمالی به تعریف واژه اندیشمندان از این کلمه مفید و راهگشا در مطالب آتی مقاله باشد.

از نظر لغت کلمه مدیر از مصدر اداره است (مدیر به معنای اداره کننده، اسم فاعل است مانند مقیم که به معنای اقامت کننده می‌باشد). کلمات مدیر، مدیریت و اداره در اصل از ماده دور گرفته شده که مصدر آن دوران یعنی گردیدن است. بدین ترتیب مدیر به معنای گرداننده می‌باشد. در صورتی که مدیریت را به معنای گرداندن بگیریم شامل هر نوع مدیریت در هر سطح می‌گردد و آنوقت می‌توان مفاهیمی چون رهبری، هدایت و امامت را نیز از موارد شمول آن دانست. صاحب‌نظران تعاریف بسیاری برای مدیریت ارائه نموده‌اند؛ از جمله مدیریت، مجموعه‌ای از فعالیت‌ها شامل برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، سازمان‌دهی، رهبری و کنترل منابع سازمان (انسانی، مالی، فیزیکی و اطلاعات) با هدف دستیابی به مقاصد سازمان به شیوه کارا و اثر بخش است (امیر اعظمی ۱۳۹۲).

با توجه به تعریف مدیریت آنچه ما را در نگارش این سطور مصمم نمود، این بود که با مطالعه منابع اصیل اسلامی، شواهدی از نظریه‌های پیشرفته و مدرن مدیریتی، مشاهده شد بر فرض چشم‌پوشی از ارتباط ویژه انبیا و اولیاء با خداوند از طرق مختلف که خود باعث اطمینان قلبی نسبت به گفتار آنان می‌شود- آیا این بزرگان جزو عقلا؛ بلکه از عاقلترین مردم روزگار خویش نبوده‌اند، تا افکارشان بسان دیگر افکار و آراء، مورد توجه و بررسی قرار گیرد؟ البته مقوله مدیریت، مسئله‌ای چند جانبه است که تنها توانمندی‌های مدیر نمی‌تواند گره مشکلات را حل کند و اتفاقاً یکی از محاسن مدیریت برگرفته از دین الهی، توجه به تمام جوانب است.

مدیریتی که در کنار شرایط و شخصیت مدیر، به وضع اجتماع از هر نظر نیز توجه دارد؛ سیاست و علم را فراموش نمی‌کند؛ اخلاقیات را سر لوحه دستورها و فرامین خویش قرار می‌دهد و ...؛ اینگونه مدیریت می‌تواند بشر را به آرمان شهر خود برساند.

از دیدگاه قرآن و روایات، مدیریت نقش اول را در تغییر و تحولات اجتماعی برعهده دارد: حضرت رسول اکرم (ص) فرمودند: «دو گروه هستند که اگر صالح باشند امت هم صالح خواهد بود و اگر فاسد باشند امت نیز فاسد خواهند شد: علماء و رؤسا» در بحث مربوط به مدیریت گاهی مدیریت را به مفهوم خاص مدیریت سازمانها که امروز در کتب مربوط به مدیریت مطرح است گرفته‌اند و گاهی به مفهوم عام آن که شامل رهبری و هدایت در هر سطح و برای هر مجموعه‌ای از انسانها میگردد.

روش‌شناسی پژوهش

هدف پژوهش حاضر بحث و بررسی پیرامون مجموعه مباحث مدیریت در اسلام است از این رو در پژوهش حاضر برای گردآوری داده‌های پژوهش از مطالعات کتابخانه‌ای و داده‌های ثانویه به نام اسناد و مدارک گذشته استفاده شده است این اسناد و مدارک شامل همه پژوهشهای صورت گرفته (اعم از پژوهش‌های مروری) در زمینه تحقیقات مدیریت در اسلام و مدیریت اسلامی بوده است که از محل دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، کنفرانس‌ها، نشریات، پایگاه‌های الکترونیکی، جهاد دانشگاهی، مقالات علمی کنفرانسی کشور، پایگاه نشریات کشور، ایرانداک و ... تأمین شده است.

تعریف مدیریت

برای مدیریت تعاریف متعدد و حتی متفاوتی بر اساس نظرات صاحب‌نظران صورت گرفته است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- مدیریت عبارتست از هماهنگ کردن منابع انسانی و مادی برای نیل به هدف (جاسبی، ۱۳۷۳).

بر اساس این تعریف مدیر شخصی است که مسئولیت و وظیفه او هماهنگی است؛ این تعریف مشخص نمی‌کند که مدیریت تأمین منابع انسانی و مادی آیا از حیطه وظایف مدیریتی هست یا نه؟ به نظر ایراد وارد است زیرا مدیر تنها هماهنگ کننده محسوب نمی‌شود بلکه عهده دار مدیریت در تأمین منابع انسانی و مادی نیز هست.

۲- مدیریت را می‌توان علم و هنر متشکل و هماهنگ کردن، رهبری و کنترل فعالیت‌های دسته جمعی برای نیل به هدف‌های مطلوب با حداکثر کارایی دانست (همان منبع، ۱۲۴).

۳- مدیریت فرایندی است که بوسیله آن کوشش‌های فردی و گروهی به منظور نیل به هدف مشترک هماهنگ می‌شود (همان منبع، ۱۲۳). این تعریف تقریباً مشابه تعریف اول است و ایراد گفته شده بر آن نیز وارد می‌شود.

۴- برخی مانند هنری فایول مدیریت را علم و هنر متشکل نمودن و هماهنگ کردن و رهبری و کنترل فعالیت های دسته جمعی دانسته اند که برای رسیدن به هدف یا اهداف مشترک صورت می پذیرد (همان منبع، ۱۲۳).

۵- گروهی مدیریت را یک رابطه عینی - ذهنی پیچیده شمرده اند.

۶- مدیریت انسجام دادن کارها به وسیله و از طریق دیگران است.

با بررسی اصول مدیریت اسلامی خواهیم دید که مدیر نه تنها نباید از دور به قضایا نگاه کند بلکه باید خود در بطن و متن کارها قرار گیرد و خود نیز در انجام کارها شریک دیگران باشد.

۷- مدیریت ممکن است به عنوان ایجاد و شناخت هدف ها از طریق فعالیت های هماهنگ تمامی افراد مربوط به آنها تعریف شود در اینکه مدیریت علم است یا هنر نیز بین صاحب نظران اختلاف است اگرچه هنوز نمی توان به طور قاطع اظهار نظر کرد که مدیریت علم است یا هنر نقش علم و هنر در مدیریت قابل انکار نیست اما اگرچه از مجموعه تعاریفی که در این زمینه شده و برداشتهایی که از کتابها در این رشته به عمل آمده، جنبه هنر بودن آن غلبه پیدا می کند؛ هنگامی که ملاحظه می شود یک پزشک خوب و متخصص، نمی تواند یک مدیر خوب برای بیمارستان باشد و یا یک مهندس از عهده اداره یک کارخانه عاجز می ماند و حتی یک متخصص در دانش مدیریت که تکنیک های مدیریت را نیز می داند، نمی تواند مدیر خوبی باشد.

تعریف مدیریت طی سال ها شکل گرفته «پاتریک مانتانا» به هر حال بنا به نظر است اگرچه خود وی یک تعریف مورد قبول مربوط به انجمن مدیریت امریکا به مدیریت عبارت است از کار کردن با دیگران و از (مانتانا، ۲۰۱۳۸۰) «این مضمون نقل می کند که «طریق آنها برای رسیدن به هدف های سازمان و هدف های کارکنان نکته قابل توجه در این تعریف این است که مدیر بعنوان فردی خارج از افراد تحت مدیریت محسوب نمی شود بلکه با آنها یا از طریق آنها، هم در صدد رسیدن به اهداف سازمان و هم هدف های کارکنان است و این نکته مهم چیزی است که در اصول و مبانی مدیریت اسلامی مورد توجه ویژه قرار گرفته است با نگاهی به تعاریف مدیریت یک مسأله قابل استنباط است و آن اینکه مدیر باید تصمیم بگیرد و تصمیم گیری و مدیریت لازم و ملزوم همدیگرند که در متون دینی برخی مانند (هربرت سایمون) تحت عبارت (عزم) مورد بررسی قرار گرفته است تصمیم گیری را با مدیریت یکی دانسته اند. علاوه بر سایمون، گروه دیگری از صاحب نظران نیز مدیریت و تصمیم گیری را یکی دانسته اند و هم معنی تعریف کرده اند (مومنی، ۱۳۸۵).

اینان مدیریت را چیزی جز تصمیم گیری ندانسته اند و معتقدند کانون اصلی مدیریت را تصمیم گیری تشکیل می دهد. در واقع آنها انجام وظایفی چون نیز «نیومن» برنامه ریزی، سازماندهی و کنترل را چیزی جز تصمیم گیری نمی دانند کیفیت مدیریت را تابع کیفیت تصمیم گیری می داند. بنابراین از دیدگاه این صاحب نظران اساس مدیریت سازمان ها تصمیم گیری است (همان منبع).

مدیریت در اسلام و مدیریت اسلامی

به رغم اینکه طی چند سال اخیر اصطلاح «مدیریت اسلامی» علاقه مندان زیادی را از بخش های مختلف دانشگاهی و حوزوی به سوی خود جذب کرده است؛ مروری بر آثار موجود این موضوع، دلالت دارد که دیدگاه های اسلامی در مدیریت، موضوعی فراموش شده و زمینه ای به نسبت ناشناخته برای کار پژوهشی است. آمار نشان می دهد طی ۲۵ سال گذشته، هر سال، هشت عنوان کتاب درباره مدیریت اسلامی چاپ شده است که در مقایسه با دنیای غرب که فقط درباره مدیریت منابع انسانی، هر روز یک کتاب و ۸۶ مجله تخصصی به چاپ می رسد، بسیار اندک است. بررسی ها نشان می دهند که طی چهار دهه گذشته، از میان سه گروه علمای حوزه، دانشگاه و دیگر محققان، از هر گروه حدود سی نفر به نگرش مطالبی درباره مدیریت اسلامی دست زده اند (امیر اعظمی ۱۳۹۲). بررسی های تفصیلی در باره محققان حقیقی و حقوقی نشان می دهند که اولاً، برخی نویسندگان به طور اتفاقی یا الزامی یک بار در باره موضوع قلم زده اند؛ ثانیاً، تقریباً همه آثار، کارهای فردی هستند و کمتر اثری را می توان یافت که به شکل گروهی تألیف یا تدوین شده باشد و ثالثاً، بررسی محتوای آثار نشان می دهد برخی مؤلفان محترم، بدون مراجعه به آثار مدیریت در زبان فارسی، یا حداکثر بدون مراجعه به آثار مدیریت و رهبری در اسلام و تنها با تکیه بر اطلاعات عمومی و شخصی خود، بدون توجه به آرای ارائه شده دیگر محققان، نوشته خویش را به چاپ رسانده اند. البته روند توجه به مدیریت اسلامی، رو به تقویت و تکامل است؛ ولی کارنامه این بحث مهم، مطلوبیت چندانی ندارد (قوامی، ۱۳۸۳، ص ۲۷ و ۲۸).

تعریف مدیریت اسلامی می توان مدیریت اسلامی را چنین تعریف کرد: مجموعه ای نظام مند از باورها، ارزش ها و رفتارهای اسلامی که چگونگی به کارگیری نیروهای انسانی و منابع مادی را در دستیابی به اهداف سازمانی مشخص می سازد. این نظام از کتاب، سنت پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) و عقل استنباط می شود.

از دیدگاه اسلام منابع شناخت عبارت اند از: وحی، فطرت، قلب، عقل و حس روش های شناخت نیز عبارت اند از:

۱- روش استدلالی یا برهان مبتنی بر عقل؛ ۲. روش تجربی بر اساس حس و تجربه؛ البته تجربه و حس بدون ادراک عقل ناقص اند؛ زیرا شمول نتایج آزمون های تجربی در گرو آن بوده، بدون ادراکات عقلی نمی توان نتایج آزمون تجربی را تعمیم داد؛ ۳. روش شهودی یا تجربه درونی حاصل تهذیب نفس و سلوک نفسانی؛ ۴. روش شرعی یا وحیانی که منبع آن کتاب و سنت است (امیر اعظمی، ۱۳۹۲).

نویسندگان و صاحب نظرانی که در قلمرو مدیریت اسلامی و دیدگاه های اسلام در مورد مدیریت قلم زده اند هر یک به فراخور برداشت های خود از اسلام، مبانی اخلاقی، و سیره پیامبر (ص) و معصومین (ع) به طور مستقیم و یا غیرمستقیم تعاریف و یا توضیحاتی را ارائه داده اند که نوعی مفهوم مدیریت اسلامی از آن مستفاد می شود. البته دامنه این برداشت ها و تعریف ها (که بیشتر بر محور ارزش ها و مبانی اخلاقی مکتب اسلام و سیره پیشوایان دین قرار داشته اندگسترده و از نظر نوع نگاه نیز (در عین نزدیک به هم بودن) متنوع است، در ادامه به تعدادی از تعریف های ارائه شده در مورد مدیریت اسلامی اشاره می شود:

الفچه ای مدیریت اسلامی را مقوله ای مکتبی می داند و وظیفه مکتب نیز از نظر او ارائه راه حل هایی است که با مفهوم عدالت خواهی سازگار است (الفچه ای، ۱۳۷۷، ص ۲۲).

حمیدی زاده نیز معتقد است که نظام مدیریت در تفکر اسلامی از اصول اعتقادی آن سرچشمه می گیرد و بنابراین، مدیریت بر یک مجموعه انسانی و در یک سازمان در راستای مدیریت جهان خلقت است، با این ویژگی، وی مدیریت را به عنوان یک بینش مطرح می کند که در آن مدیر نیز عضوی از اعضای آفرینش است که باید همراه و هماهنگ با ضوابط و قوانین کلی آن باشد زیرا تشکیلاتی که به وی سپرده شده، هدفش در جهت نظم کلی جهان و برای پیشبرد فعالیت های بشری به منظور دستیابی به سطوح آرمانی است (حمی دی زاده، ۱۳۷۸، ص ۲). عسگریان مدیریت از دیدگاه اسلام را در مسیر نزدیکی به خداوند می داند بدین معنی که در کلیه سطوح آن زهد و تقوی پیشه می شود، سعی در بخشش و ارشاد فزونی می یابد و جلب رضایت اکثریت بیشتر می شود (عسگریان، ۱۳۷۰، ص ۵۲). مشرف جوادی معتقد است در مدیریت اسلام (اسلامی)، ابتدا محور رابطه با خدا و حرکت به سوی او همراه با قادر مطلق دانستن وی و شهادت به یگانگی، یعنی فقط یاری و کمک طلبیدن از او بدون در نظر گرفتن «مدیریت در اسلام» منظور است (مشرف جوادی، ۱۳۷۸ ص ۱۱).

اعتقاد به معاد و یا دنیای دیگر ناقص است. در واقع مطلب و مسایل مدیریت در اسلام، جدا از دنیای دیگر همان مدیریت غربی است (مشرف جوادی، ۱۳۷۸، ص ج)، هنگامی که صحبت از مدیریت در اسلام می شود، ابتدا منظور اداره امور و بهره برداری صحیح از نعمت های الهی بر اساس اعتقاد به جهان بینی توحیدی است، یعنی کلیه اعمال و رفتار انسان ها و یا مدیران باید بر مبنای جهان بینی توحیدی باشد و فلسفه توحیدی ایجاب می کند که اعمال یک مدیر، علاوه بر انطباق با جهان بینی توحیدی، با اصول و اهداف جامعه اسلامی نیز تطبیق داشته باشد (مشرف جوادی، ۱۳۷۸، ص ۳). هاشمی رکاوندی نیز مدیریت در اسلام را در اصل بر مبنای کلامی و عقیدتی ملهم از قرآن و سنت نبی (ص) استوار می داند هاشمی رکاوندی، ۱۳۷۹، ص ۷۶).

تقوی دامغانی بدون این که از مدیریت اسلامی تعریفی ارائه دهد در مورد چیستی مدیریت توضیحی داده و به امانت بودن، تکلیف بودن، خدمت بودن و مواردی از این قبیل اشاره کرده است و سپس به توضیح نقش مدیر در جوامع اسلامی پرداخته است (تقوی دامغانی، ۱۳۷۸). نبوی مدیریت اسلامی را این چنین تعریف کرده است، مدیریت هنر و علم به کارگیری صحیح افراد و امکانات در جهت وصول اهداف سازمانی است، به نحوی که با موازین شرع مغایرت نداشته باشد (نبوی، ۱۳۸۰، ص ۳۳).

قبادی نیز مدیریت اسلامی را آن بخش از وحی الهی و منابع اسلامی و فرآیند آن می داند که مستند به «مدیریت» باشد و وجه تمایز آن با دیگر مدیریت ها را در مبتنی بودن بر وحی، نبود نظام بهره کشی انسان از انسان، مبتنی بودن بر ارزش های متعالی، مطلق و ثابت و استوار بودن بر پایه تعالی، کرامت و شرافت انسانها م ی داند. (قبادی، ۱۳۷۸، پ ص ۱۲).

در یک تعریف، که برگرفته از مفهوم رشد استاد شهید مطهری است، مدیریت اسلامی عبارت است از: «لیاقت و شایستگی شناخت، نگهداری، بهره داری و توسعه سرمایه هایی که در اختیار انسان قرار دارد. استاد مطهری در کتاب امدادهای غیبی در زندگی بشر و در باب تعریف رشد آورده است: اگر بخواهیم کلمه «رشد» را به مفهوم عام خودش که شامل همه انواع رشد ها در همه موارد بشود تعریف کنیم، باید بگوییم: رشد یعنی اینکه انسان شایستگی و لیاقت اداره و نگهداری و بهره برداری یکی از سرمایه ها و امکانات مادی و یا معنوی را که به او سپرده می شود، داشته باشد یعنی اگر انسان در هر ناحیه از نواحی زندگی که حکم یک شأن و وسیله ای را دارد، شایستگی اداره و نگهداری و بهره برداری از آن را داشته باشد، چنین شخصی در آن کار و در آن شأن «رشد» است؛ حال آن چیز هر چه می خواهد باشد، همه آن چیزها و اشیائی که وسائل و سرمایه های زندگی هستند. سرمایه به مال و ثروت انحصار ندارد. مردی که ازدواج می کند خود ازدواج و زن و فرزند و کانون خانوادگی، وسائل و به تعبیر دیگر، سرمایه های زندگی او هستند، و یا شوهر برای زن و زن برای شوهر حکم سرمایه را دارد (عابدی جعفری، از گلی، ۱۳۸۳).

افزون بر تعریف یادشده، تعریف های متعدد و در عین حال متنوعی درباره مدیریت اسلامی وجود دارند که به پاره ای از آنها اشاره می شود: آیت الله مکارم شیرازی، مدیریت اسلامی را این گونه بیان کرده است: «عالم هستی تحت مدیریت واحدی قرار دارد و این مدیریت الله است، انسان خلیفه الله و عالم اصغر است... این الگو به ما می گوید، مدیریت صحیح تنها در پرتو ارتباط مستقیم با معاونان محدود و مورد اعتماد است و مدیر نباید با تمامی نفرات ارتباط مستقیم برقرار سازد» (محمودی، ۱۳۷۹).

از سوی دیگر، آیت الله مصباح یزدی، با بر شمردن مدیریت مدیران مسلمان به عنوان مدیریت اسلامی، بر این باور است که: «نظام ارزشی اسلام، مدیریت مدیران مسلمان را تحت تأثیر قرار می دهد و در روش های عملی آنها اثر می گذارد و این معنای صحیح مدیریت اسلامی است» (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ص ۲۸۳)

-افجه ای، مدیریت اسلامی را مقوله ای مکتبی می داند و وظیفه مکتب نیز از نظر او ارائه راه حل هایی هستند که با مفهوم عدالت خواهی سازگارند (افجه ای، ۱۳۸۴، ص ۶).

دیگری، مدیریت از دیدگاه اسلام را در مسیر نزدیک شدن به خداوند می داند. بدین معنا که در همه سطوح آن زهد و تقوا پیشه می شود، سعی در بخشش و ارشاد فزونی می یابد و جلب رضایت اکثریت بیشتر می شود (عسگریان، ۱۳۷۰، ص ۵۲).

نماید و مطابق کتاب و سنت و سیره و روش پیامبر و امامان معصوم و با استفاده از علوم و فنون و تجارب بشری در جهت رسیدن به اهداف یک نظام در ابعاد مختلف همانند یک محور و مدار و قطب عمل کند» (روحی عزیزی، و مهدوی مژگان، ۱۳۸۰).

-مشرف جوادی معتقد است: زمانی که صحبت از مدیریت در اسلام می شود، ابتدا منظور اداره امور و بهره برداری صحیح از نعمت های الهی بر اساس اعتقاد به جهان بینی توحیدی است، یعنی کلیه اعمال و رفتار انسانها و یا مدیران باید بر مبنای جهان بینی توحیدی باشد و فلسفه توحیدی ایجاب می کند که اعمال یک مدیر، علاوه بر انطباق با جهان بینی توحیدی، با اصول و اهداف جامعه اسلامی نیز تطبیق داشته باشد (مشرف جوادی، ۱۳۷۸، ص ۳).

- نبوی، مدیریت اسلامی را این چنین تعریف کرده است: مدیریت «هنر و علم به کارگیری صحیح افراد و امکانات در جهت وصول اهداف سازمانی است، به نحوی که با موازین شرع مغایرت نداشته باشد» (نبوی، ۱۳۷۳، ص ۳۳).

-حمیدی زاده، مدیریت را به عنوان یک بینش مطرح می کند و مدیر نیز عضوی از اعضای آفرینش است که باید همراه و هماهنگ با ضوابط و قوانین کلی آن باشد؛ زیرا تشکیلاتی که به وی سپرده شده، هدفش در جهت نظم کلی جهان و برای پیشبرد فعالیت های بشری به منظور دستیابی به سطوح آرمانی است (حمیدی زاده، ۱۳۷۸، ص ۲).

-آخرین تعریف، مدیریت اسلامی را اینگونه بیان می دارد: شیوه به کارگیری منابع انسانی و امکانات مادی، برگرفته از آموزه های اسلامی، برای نیل به اهدافی که متأثر از نظام ارزشی اسلام است پیروز و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۱۱).

اهمیت مدیریت از دیدگاه اسلام

در اسلام مدیریت و رهبری به عنوان یک اصل ضروری و اجتناب ناپذیر برای ادامه حیات انسان بحساب آمده است. قرآن و احادیث و روایات اسلامی، رهبری را در دو جهت الهی و شیطانی مورد بحث قرار داده اند و سرنوشت انسان را با میزان اطاعت از رهبرانی که آن ها را بسوی حق و حقیقت دعوت کرده اند و یا آنان را به سوی دوزخ و شقاوت می خوانند وابسته می دانند. برای نشان دادن اهمیت رهبری و مدیریت از نظر اسلام به ترتیب آیات یا روایاتی که در این زمینه جمع آوری شده است ذی "مطرح و در هر مورد در صورت لزوم توضیح داده می شود. قرآن در سوره نازعات آیه ۵ می فرماید: فالمدبرات امره «سوگند به تدبیر کنندگان کارها» خداوند در این آیه به فرشتگان اداره کننده کارها سوگند یاد می کند، خداوند خود نیز مدبر است همانطور که در دعای جوشن کبیر بند ۲۵ آمده است.

اللهم انی اسئلك باسمک یا مصوریا مقدر یا مدبر...

«خدایا از تو درخواست می کنم بنام تو ای صورت آفرین، ای تقدیر کننده، ای تدبیر کننده...» بدین ترتیب ملاحظه می شود که اولاً تدبیر یکی از خصوصیات احادیث است ثانیاً آنقدر این امر مهم است که خداوند به تدبیر کنندگان سوگند یاد می کند و تدبیر در امر یعنی به عاقبت کار نگاه کردن، معنی لغوی تدبیر پشت سر گذاشتن چیزی است.

در قرآن کلمه امام بصورت مفرد و جمع در موارد زیادی بکار رفته است که به معنای رهبر می باشد اما این کلمه در هر دو جهت هدایت و ضلالت کاربرد دارد.

در آیات زیر امام به عنوان هادی برای هدایت بشر بسوی خدا و سعادت می باشد.

آیه ۷۳ از سوره انبیاء می فرماید:

و جعلنا هم ائمه یهدون بامرنا «ما آنها را پیشوایان هادی به امر خودمان قرار دادیم».

سوره توبه آیه ۱۲

فقاتلوا ائمه الکفر انهم لا ایمان لهم لعلهم ینتھون

پس با پیشوایان کفر بجنگید که آنها را عهد و سوگند استواری نیست. باشد که دست بردارند.

حدیثی است که شیعه و سنی آن را از امام علی بن موسی الرضا (ع) نقل می کنند که حضرت در تفسیر آیه ۷۱ سوره اسراء می فرماید:

یدعی کل اناس بامام زمانهم و کتاب ربهم و سنه نبیهم

در آن روز هر قومی همراه اما زمانشان و کتاب پروردگارشان و سنت پیامبرشان خوانده می شوند (قرآن کریم). «
باز از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود:

الا تحمدون الله اذا كان يوم القيامة قد دعا كل قوم الى من يتولونه و دعانا الى رسول الله و فرعنهم البنا فالى اين ترون يذهب بكم الى الجنة و رب الكعبة قالها ثلاثا «يا شما حمد و سپاس خدا را بجا نمی آورید؟» هنگامی که روز قیامت می شود خداوند هر گروهی را یا کسی را که ولایت او را پذیرفته می خواند، ما را همراه پیامبر (ص) و شما را همراه ما، فکر می کنید در این حال شما را به کجا می برند، به خداوند کعبه به سوی بهشت - سه بار امام این جمله را تکرار کرد. «

در این روایت همانطور که ملاحظه می شود آنقدر به امام یا رهبر اهمیت داده شده است که سرنوشت مردم با امام و رهبر آنها گره خورده است. این بدین معنی است که رهبران و مدیران جامعه آنقدر روی افراد اثر می گذارند که به هر سو بخواهند آنها را می کشانند و لذا دارای سرنوشت مشترکی می گردند.

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که:

من مات بغیر امام مات مئیتة جاهلیة «کسی که بدون امام و رهبر از دنیا برود مرگ او مرگ جاهلیت است
این روایت اهمیتی را که اسلام برای وجود امام و ضرورت رهبری قائل است نشان می دهد و اینکه بدون رهبری و مدیریت امکان نجات و هدایت نیست و مرگ آنها را مرگ جاهلیت قبل از اسلام می داند.

علی علیه السلام خطاب به کمیل می فرماید:

الهم قلبی لا تخلو الارض من قائم لله بحجة اما ظاهرا مشهورا و اما خائفا مغمورة لئلا یبطل حجج الله و بیناته .
آری بخدا سوگند زمین هرگز خالی از حجت نیست ، خواه ظاهر و آشکار باشد یا ترسان و پنهان تا نشانه های الهی و دلائل فرمان او از میان نرود.

این گفتار علی علیه السلام نشان می دهد که وجود رهبری و امامت اعم از آنکه بر حسب شرایط زمان و مکان آشکار یا پنهان باشد امری حتمی و لازم است و بدون آن امکان هدایت انسان برای رسیدن به سر منزل مقصود نیست آن حضرت در احادیثی فرموده اند:
علل سقوط اجتماعی و اقتصادی دولت را در چهار چیز می داند: سوء تدبیر، ضعف مدیریت، تبذیر ناروا و هزینه های زیان بار اقتصادی تدبیر و مدیریت خوب، سرمایه اندک را افزون می کند، اما مدیریت و تدبیر سوء، سرمایه انبوه را نیز نابود می سازد» (مشابهت مردم به امرا و فرمانروایانشان، بیش از شباهتی است که به پدران خود دارند). «موقعیت من برای خلافت و مدیریت جامعه اسلامی همانند قطب وسط آسیا است». «

امام علی بن موسی الرضا (ع) می فرماید:

انا لانجد فرقه من الفرق و لامله من الملل تقو و عاشو الا بقیم و رئیس لما لا بد لهم فیه فی امر الذین والدنیا
در مطالعه احوال بشر هیچ گروه و ملتی را نمی یابیم که در زندگی موفق و پایدار باشد مگر بوجود مدیر و سرپرستی که امور مادی و معنوی آنرا مدیریت نماید

شاید هیچ مکتبی با این روشنی اهمیت رهبری و مدیریت را بیان نکرده باشد که موفقیت و پایداری یک ملت را در امور مادی و معنوی مرهون آن بداند از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: لایستغنی اهل کل بلد عن ثلاثه یفزع الیه امر دنیاهم و آخرتهم فان عدما ذالک کانوا همجان فقیه عالم ورع و امیر خیر مطاع و طبیب بصیر ثقه مردم هر اجتماع از سه گروه بی نیاز نیستند ، تا امور دنیا و آخرت خود را بوسیله آن سه دسته انجام دهند و هرگاه اجتماع فاقد آن سه باشد افراد آن جامعه بصورت حیوانات ضعیفی در خواهند آمد دلائل فرمان او از میان نرود.

این گفتار علی علیه السلام نشان می دهد که وجود رهبری و امامت اعم از آنکه بر حسب شرایط زمان و مکان آشکار یا پنهان باشد امری حتمی و لازم است و بدون آن امکان هدایت انسان برای رسیدن به سر منزل مقصود نیست آن حضرت در احادیثی فرموده اند: علل سقوط اجتماعی و اقتصادی دولت را در چهار چیز می داند: سوء تدبیر، ضعف مدیریت، تبذیر ناروا و هزینه های زیان بار اقتصادی «تدبیر و مدیریت خوب، سرمایه اندک را افزون می کند، اما مدیریت و تدبیر سوء، سرمایه انبوه را نیز نابود می سازد» (مشابهت مردم به امرا و فرمانروایانشان، بیش از شباهتی است که به پدران خود دارند). «موقعیت من برای خلافت و مدیریت جامعه اسلامی همانند قطب وسط آسیا است.

امام علی بن موسی الرضا (ع) می فرماید:

انا لانجد فرقه من الفرق و لامله من الملل تقو و عاشو الا بقیم و رئیس لما لا بد لهم فیه فی امر الذین والدنیا
در مطالعه احوال بشر هیچ گروه و ملتی را نمی یابیم که در زندگی موفق و پایدار باشد مگر بوجود مدیر و سرپرستی که امور مادی و معنوی آنرا مدیریت نماید .

شاید هیچ مکتبی با این روشنی اهمیت رهبری و مدیریت را بیان نکرده باشد که موفقیت و پایداری یک ملت را در امور مادی و معنوی مرهون آن بداند.

از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: لایستغنی اهل کل بلد عن ثلاثه یفزع الیه امر دنیا هم و آخرتعم فان عدموا ذالک کانوا همجان فقیه عالم ورع و امیر خیر مطاع و طبیب بصیر ثقه مردم هر اجتماع از سه گروه بی نیاز نیستند، تا امور دنیا و آخرت خود را بوسیله آن سه دسته انجام دهند و هرگاه اجتماع فاقد آن سه باشد افراد آن جامعه بصورت حیوانات ضعیفی در خواهند آمد (سید کاظم چاووشی ۱۳۸۸).

سخن حقی است که از آن اراده باطل می شود، آری، نیست حکمی مگر از جانب خدا ولیکن خوارج می گویند امارت و ریاست مخصوص خداوند است، و حال آنکه ناچار برای مردم امیری لازم است خواه نیکوکار یا بد کار باشد، مومن در امارت و حکومت او به طاعت مشغول است و کافر بهره خود را می یابد بدین ترتیب لزوم رهبر و مدیر را برای جامعه اعلام می کند خواه این مدیر صالح باشد یا فاجر چرا که جامعه بدون رهبری و مدیریت امکان ادامه حیات حتی برای کوتاه مدت را ندارد.

اختلاف مکاتب گوناگون در ارتباط با مدیریت معمولاً بر سر شیوه های مدیریت است نه لزوم آن و موارد نادری به چشم می خورد که اصل وجود مدیریت و رهبری را مورد انکار یا تردید قرار دهند مع هذا چه در مکاتب مادی و چه در مکتب اسلام این موارد نادر با تفکر عدم نیاز به حکومت و حکم توسط بشرگاهی منشاء مشکلات و گرفتاریهایی شده اند. اسلام بعنوان یک مکتب پویا لزوم مدیریت و رهبری را به صورت قاطع و همه جانبه ای مورد تاکید قرار می دهد که در این مقاله استنادات قرآنی و روایتی آن را مورد توجه قرار دادیم.

الگوهای مدیریت در قرآن و اسلام

این الگوها به ما می گوید مدیریت صحیح تنها در پرتو اعتماد مستقیم، معاونان محدود مورد اعتماد است، و اگر مدیری بخواهد ارتباط مستقیم خود را با تمام نفرات برقرار سازد، راه خطا پیموده و درست مثل آن است که تمام مویرگ های بدن، مستقیماً به قلب ارتباط داشته باشند. این اصل در مورد مدیریت مغز و سلسله اعصاب نیز کاملاً صادق است. در تکوین نطفه انسان و تمام جانداران و بذر گیاهان، نقطه شروع، بسیار کوچک است؛ اما هدف در یک مرحله بسیار بالا، با این که قدرت خداوند بر ترین قدرت هاست، این الهامی است به همه مدیرانی که نقطه شروع را کوچک بگیرند و با گسترش آن به اهداف بسیار بالا برسند. مسئله آفرینش عالم هستی در چندین روز (چندین دوران عظیم که هر یک میلیونها یا میلیاردها سال طول کشیده) نیز تاکید دیگری بر این موضوع است. در مدیریت الهی، اصل ساخته شدن انسان ها می باشد و هرگونه دگر گونی را با دگرگونی انسان مرتبط می سازد. آیات کتاب آسمانی ما قرآن، شاهد زنده ای بر این مدعاست «إن الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم» یعنی «خداوند سرنوشت هیچ ملتی را تغییر نمی دهد مگر این که خودشان بخواهند.»

در مدیریت جوامع انسانی نیز مسئله اصلی ساخته شدن انسان ها می باشد و آنها که تکیه اصلی را بر ابزار می کنند، راه خطا می پیمایند. همان گونه که با چشم دیدیم ابر قدرت هایی که پایه تاریخ جامعه انسانی را در ایدئولوژی خود بر تحول ابزار تولید قرار دادند و انسان را مقهور آن شناختند، چگونه گرفتار عواقب دردناک سوء مدیریت ناشی از این تفکر گشتند و سر انجام رستخیز و مجازات خود را در این جهان دیدند. مسئله سازماندهی و هماهنگی، که مدیریت نقش بسیار مهمی ایفا می کند، می توان در جهان طبیعت و عالم خلقت به عالی ترین صورت مشاهده کرد و از آن الهام گرفت.

فی المثل در برابر یک حادثه ناگهانی و فوق العاده که برای یک انسان پیش می آید در یک لحظه، تمام نیروهای جسمی و روحی او با هماهنگی خاصی بسیج می شوند. مغز بروز حادثه را درک می کند، یک فرمان از طریق اعصاب صادر می شود و مقارن آن، ضربان قلب به سرعت بالا می رود، تا خون را هر چه بیشتر به مغز و عضلات برای انجام دادن کارهای بیشتر برساند، تنفس نیز سرعت می گیرد، تا خود را با سرعت کار قلب، هماهنگ سازد، هوشیاری بیشتر می شود، چشم تیز بین تر و گوش شنواتر می شود، معده کار خود را موقتاً تعطیل می کند و احساس تشنگی و گرسنگی که یک عامل بازدارنده است، ناگهان از بین می رود و جالب این که تمام اینها به صورت خودکار انجام می گیرد، یعنی این وظیفه بر عهده بخش نا آگاه اعصاب گذارده شده است، نه بخش آگاه.

سازماندهی و هماهنگی در مدیریت نیز باید چنان در عمق تشکیلات نفوذ کند که در برابر حوادث به صورت خودکار عمل نماید؛ در غیر این صورت فرصت هایی که هر لحظه آن سرنوشت ساز است، ممکن است از دست برود در جهان طبیعت مجموعه ها به گونه ای عمل می کنند که زوائد و فضولات، خود را با یک گردش دایره ای «تبدیل به عناصر فعال» می سازد؛ مثلاً باران می بارد، آب ها جاری می شود و انسان ها، حیوانات و گیاهان را سیراب می کند، فاضلاب آن در زمین فرو می رود و چنان تصفیه می شود که همان صورت نخستین را باز می یابد.

درختان از زمین کمک می گیرند، حیوانات از این درختان بهره می گیرند. سپس برگ های خشک درختان و فضولات حیوانات روی زمین می ریزد و تبدیل به مواد غذایی زمین می شود و بار دیگر وارد این مدار می گردد.

مدیریت های صنعتی باید با الهام از این الگوهای طبیعی چنان کار کنند که تمام فضولات و زباله های خود را بسازند و وارد مدار کنند، در غیر این صورت کمبودی در آنها وجود دارد!

بدیهی است کاری که در طبیعت در مورد آب یا مواد غذایی زمین صورت می گیرد، اگر میلیون ها سال به طول انجامد، کمترین تخریبی در محیط زیست دیده نمی شود و همه سرمایه های حیاتی سالم می ماند؛ ولی می بینیم که مدیریت ناقص صنعتی امروز بشر، که نتوانسته از

آن درس بزرگ طبیعی الهام گیرد، روز به روز محیط زیست را ویران تر و آینده بشریت را تاریک تر می سازد، زیرا عمر آن محدود و بازدهی آن کوتاه است.

اینها الهاماتی است که ما می توانیم در ابعاد مختلف مسئله مدیریت از طبیعت و جهان خلقت که بر طبق مدیریت مبدأ علم و قدرت عالم آفرینش اداره می شود، بگیریم. این یکی از ویژگی های مدیریت اسلامی و قرآنی است که مدیران را به درس خواندن در دانشگاه طبیعت می فرستد

ویژگی های مدیران اسلامی

یکی از اصول مدیریت اسلامی اصل آخرت گرایی است. آخرت گرایی به این معنی که مدیر اسلامی نباید منافع اقتصادی و مادی را بر ارزش های متعالی اسلامی و انسانی تقدم دهد. در تعلیم دین و قرآنی نیز همواره بر حفظ حرمت مسلمانان و تقدّم آن در برابر منافع مادی اقتصادی تاکید شده است. شاید از همین روست که می توان حفظ حرمت مسلمانان را به اخلاق گرایینیز تعبیر کرد. اخلاق گرایی در حقیقت تاکید و عمل به ارزش های دینی، انسانی و اسلامی، رعایت و ترویج آن ها در جامعه است. آخرت گرایی اصلی از اصول مدیریت اسلامی و برگرفته از اصل ایمان به معاد و حیات پس از مرگ است. این اصل به اینحقیقت نظر دارد که هدف نهایی، حیات جاودان آخرت است و زندگانی دنیا تنها مقدمه برای آن حیات است (فإن الغایه القیامه، ُ امیرالمؤمنین (ع)). این اصل نه تنها در حوزه اندیشه و نظر منشا اثر است بلکه در حوزه عملکردها نیز باعث تاثیرهایقابل توجه و اساسی و تغییر و اصلاح جهت گیری هاست. آخرت گرایی در حقیقت چیزی نیست جز تلبس به ارزش های الهیدین حق که ما را در مسیر مستقیم به سوی سعادت ابدی رهنمون می شود. در مدیریت اسلامی در حوزه های مختلف، ایناصل دارای تاثیرهای اساسی می باشد و حیطه وظایف مدیریت بعنوان مهمترین حوزه بحث مشمول این تاثیرهای می باشد(صبحی لکی، ۱۳۹۴).

اعتدال در مدیریت

رعایت اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط در تمامی زمینه ها حتی ارزشها مورد پسند اسلام است. در نامه نوزدهم نهج البلاغه، حضرت علی (ع) خطاب به یکی از فرمانداران(عمر بن ابی سلمه فرماندار فارس) به رعایت اعتدال در برخورد با دشمن و مشرکان اشاره کرده و نسبت به شاکیان از فرماندار، نه آنان شایسته تقرب اند- زیرا از نظر فکری و اعتقادی به « : سفارش می کند. بلوغ نرسیده اند- و نه سزاوار بد رفتاری- چون انسان اند و پیمان هم زیستی مسالمت آمیز بسته اند(نهج البلاغه، نامه ۱۹).

عالم و مقتدر بودن مدیر

بر مبنای عقل، هر مدیری باید حداقل آگاهی و قدرت و اقتدار را دارا باشد و هر اندازه دامنه مدیریت گسترده تر شود و مسئولیت گسترش یابد، نیاز به آگاهی و قدرت بیشتر پیدا می کند؛ لذا گماردن مدیر نا آگاه و ضعیف در پست مدیریتی خطا ست ای مردم، بی تردید سزاوارترین فرد برای مدیریت جامعه، آن کسی است که «در مسائل اجرایی قوی و بر قوانین آگاهتر باشد. »

مسئولیت تضامنی مدیران سطوح مختلف

اگر چه هر انسانی مسئول اعمال خویش است و اصل بر شخصی بودن مسئولیت هاست اما در مدیریت نمی توان نقص و خطای مدیر را فقط به او منتسب نمود؛ زیرا مدیریت یک جریان به هم پیوسته و مرتبط است که از سطوح عالی، میانی و پایینی در آن نقش دارند و مدیر ارشد نمی تواند خطای مدیر میانی خود را از خود نداند و خود را تبرئه نماید. علی (ع) در نامه هجدهم خطاب به فرماندار بصره می فرماید یعنی من و تو در اینگونه رفتارها شریکیم و هر تصمیم (فانا شریکان فی ذلک) و کردار تو به پای مدیر بالاتر یعنی من نوشته می شود(همان منبع، نامه ۱۸)

توجه به تفاوت طبقات اجتماعی و رعایت اخلاق اجتماعی

مدیر نباید انتظار داشته باشد که همه مانند او فکر کنند بلکه باید ضمن توجه به افشار و افکار گوناگون، مدیریت کند؛ در بخشی از عهد نامه مالک اشتر چنین آمده است:

مردم از گروههای گوناگونی می باشند که اصلاح هر یک جز با دیگری امکان ندارد، بخشی لشکریان، بخشی دبیران و گروهی مسلمان و برخی از اهل ذمه، دسته ای تاجر و دسته ای صنعتگر... و سرانجام گروهی از افشار پایین. یعنی مستمندان و نیاز مندان جامعه اند (همان منبع، نامه ۵۳).

شاید این فرمایش امام اشاره به مسئله(ترادیشنالیزم) یا همان احترام به اصالت سنن و آداب داشته باشد(همان، نامه ۵۷۳).

در نامه ۲۷ خطاب به فرماندار مصر می فرماید:

با مردم فروتن باش، نرمخو و مهربان باش، گشاده رو و خندان باش در نگاههایت و در نیم نگاه و خیره شدن به مردم به تساوی رفتار کن تا بزرگان در ستمکاری تو طمع نکنند و ناتوان ها در عدالت تن مایوس نگردند.

معنویات، لازمه مدیریت صحیح

در نامه بیست هفت، خطاب به فرماندار مصر - محمد بن ابی بکر - چنین آمده است:

تو را سرپرست بزرگترین لشکر یعنی لشکر مصر قرار دادم بر تو سزاوار است که با خواسته های دل مخالفت کرده واز دین خود دفاع کنی. هر چند ساعتی از عمر تو باقی نمانده باشد. خدا را در راضی نگه داشتن مردم به خشم نیاور زیرا خشنودی خدا جایگزین هر چیزی بوده اما هیچ چیز جایگزین خشنودی خدا نمی شود. نماز را در وقت خودش به جای آور و به هنگام درگیری و کار آن را تاخیر نینداز و بدان که تمام کردار خوبت در گرو نماز است (همان منبع، نامه ۲۷).

توجه به خدا و رابطه با خالق است که نگاه مدیر به قدرت را تغییر می دهد نه « وسیله و ابزار خدمت » حضرت علی با توجه به این مسائل، مدیریت را می شمارد و می فرماید: « لقمه چرب کاری که به تو سپرده شده است، نه لقمه ای چرب بلکه امانتی بر گردن توست (همان منبع، نامه های ۴۱ و ۴۳) در جای دیگر می فرماید فرماندهی و مدیریت نیروهای مسلح را به کسی بسپار که پاکدامنترین و در متانت برجسته ترین باشد، دیر به خشم آید و با شنیدن پوزشی آرام گیرد. با ناتوان مهربان و بر توانمندان درشت خوی باشد» (همان منبع، نامه ۵۳).

انتقاد پذیری مدیر

در انتخاب مدیران و همکاران باید دقت نمود که واقعیتهای جامعه چگونه که هست به مدیر منتقل شود تا تصمیم او تصمیمی مطابق با واقعیات باش تملق و چاپلوسی از ردیله هایی است که حضرت در جای جای سخنان خود، مردم و مدیران را از آن بر حذر داشته است گزیده ترین همکاران برگزیده ات می باید کسی باشد که سخن تلخ حق را بی پرده تر بگوید و تو را در هوسهای تشویق و یاری نکند. همکارانت را بیاموز که تو را ستایش نکنند و با شمردن کارهای نا کرده بیهوده شادمانت ننمایند که ثناگویی فراوان، خودخواهی می آورد و به تکبر می کشاند (همان منبع، نامه ۵۳).

حضرت مفهوم چاپلوسی و تشکر را جدا می کند و می فرماید: ستودن بیش از آنچه که سزاوار است، نوعی چاپلوسی و کمتر از آن درماندگی یا حسادت است (همان منبع، حکمت ۳۴۷).

معمولاً زبان و دل افراد چاپلوس یکی نیست؛ لذا امام به شخصی که در ستایش او افراط کرد فرمود .

من کمتر از آنم که بر زبان آوردم و برتر از آنم که در دل داری (همان منبع حکمت).

قاطعیت در مدیریت به خصوص در حقوق عمومی

امام علی (ع) به فرماندار مکه در مسئله برخورد با تبلیغات دروغین یاران معاویه در مراسم حج به برخورد قاطعانه اشاره کرده و می فرماید: در اداره امور خود هوشیارانه و سرسختانه استوار باش (همان منبع نامه ۳۳).

خلاصه و نتیجه گیری

از مجموعه مباحث پیشین بر می آید که مدیریت از نظر اسلام مبانی متقن هستی شناختی و انسان شناختی دارد و با وجود جوان و متاخر بودن این علم در صورت فعلی آن می توان ریشه های آن را در نصوص اسلامی و سیره نبی اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام یافت. اگر بپذیریم که از نظر اسلام جهان عبث و بیهوده آفریده نشده و حکمتی در کار خلق جهان بوده است و اگر بپذیریم که آدمی خلیفه خداوند و جاری کننده اراده اوست در زمین و همچنین خداوند او را مدنی بالطبع آفریده است و یکی از وجوه مدنیت او تکامل روحی و جسمی اوست در اجتماع منطقاً باید معترف باشیم که رهبری این موجود ذاتاً اجتماعی می باید بر اساس موازینی باشد که در مجموع می توان آن موازین را مدیریت اسلامی نامید مدیریت اسلامی مدیریتی است که در آن فرض بر این است که هستی به طرف کمال و تحقق و تجلی اسماء الهی سیر می کند و آدمی بزرگترین بازیگر این نقش است و نظر به این که انسان قابل تربیت و ارشاد می باشد ساز و کار های مدیریت باید منجر به شکوفایی استعداد های فطری و اکتسابی او گردد. این امر هرگز میسر نیست الا با سازماندهی گروه های مختلف انسانی و رهبری و مدیریت آنان توسط افرادی از جنس خودشان. بنابر این مدیریت اسلامی نه فقط سامانه ای است برای بهره وری بیشتر نیروی انسانی بلکه سیستمی است که در آن انسان ها به کمال مطلوب خویش نزدیک تر شده و صفت کمال الهی را متجلی و ظاهر می سازند.

همانگونه که مطرح گردید آیات قران کریم (سوره توبه، نازعات، انبیا) و روایات بسیاری از معصومین در مورد مدیریت بیان گردیده است و تمامی مطالب مدیر و اخلاق و منش مدیریت را راس و لازمه هر سازمانی می دانند که در ذیل به آنها اشاره شده است:

۱- رعایت شئون اسلامی در این مدیریت اولین وظیفه مدیر محسوب می شود.
۲- در مدیریت اسلامی توجه به نظام ارزشی اسلام (اخلاق، تقوی، عدالت طلبی، خدمت و امانت بودن مدیریت و ...) و حفظ آن اهمیت ویژه ای داشته و در اولویت قرار دارد.

۳- وظیفه ی مدیر، در مدیریت اسلامی تنها افزایش تولید نیست و توجه به انسان به عنوان اشرف مخلوقات (که خداوند آسمانها و زمین را مسخر او کرده است و تعالی وی در اولویت بالاتری از تولید قرار دارد. و تولید به عنوان ابزاری برای این منظور لحاظ می گردد.

۴- در مدیریت اسلامی مدیریت و هدایت انسانها به سوی کمال وظیفه اصلی قلمداد می شود.

۵- مدیریت در اسلام امانتی است که باید در نگهداری و رساندن آن به کسی که اهلیت آن را دارد دقت وافر به خرج داد. در واقع نمی توان این مسئولیت را به هر کس سپرد.

۶- سازمان در مدیریت مجموعه ای از انسانها است که از طریق هم افزایی توان آنها که در مدیریت اسلامی در جهت رسیدن به کمال قرار دارند) در خدمت انسان قرار می گیرد. در این رهگذر در یک عرصه رفت و برگشت، افراد با کار جهت یافته خود سازمان را به نتایج دلخواه می رسانند و مجموعه سازمان مدیریت و کارکنان نیز از بازتاب نتایج کار خود، هم از نظر معنوی و هم از نظر مادی بهره مند می شوند.

۷- در مدیریت اسلامی، مدیر به عنوان الگو و اسوه مطرح است و بر همین مبنا نیز باید رفتار خود را تنظیم کند. نکته ی پایانی این است که مدیریت اسلامی واجد خصوصیات و ویژگیهایی است که می تواند در موفقیت سازمانها نقش اساسی ایفا نماید، این ویژگی ها در بطن دستورها، توصیه ها، نظرها و شیوه های به کارگرفته شده توسط پیشوایان دین حضور و وجود عینی داشته است، ولی برای استفاده از آن در سطوح سازمانی و کاربردی کردن آنها در سازمانها، نیاز به کار پیشگامانه و دور از هراس و خود کم بینی صاحب نظران و عالمان مدیریت و تحقیق پژوهش مستمر در این جهت دارد.

امید که در ظل توجهات خاصه ی حضرت ولی عصر (عج) و بکارگیری منویات ولی امر مسلمین حضرت آیه ... خامنه ای و با افزایش پژوهش های مرتبط با مدیریت اسلامی در مراکز علمی، پژوهشی و تحقیقاتی شاهد بروز و شکوفایی قابلیت های مدیریت اسلامی که ریشه در مکتب حیات بخش اسلام دارد، باشیم.

در آخر می توان اینگونه بیان کرد که در عصر حاضر مدیریت اسلامی مورد توجه بیشتری قرار گرفته است، زیرا در مقایسه با مدیریت رایج به انسان و روابط انسانی در سازمان اهمیت بیشتری داده است و از اخلاقیات و ارزش های انسانی به عنوان اصول مهمی در دسترسی به اهداف سازمانی یاد می کند و لازمه موفقیت مدیر و سازمان را در گرو رعایت کامل این ارزش ها می داند. از سوی دیگر با توجه به اینکه مدیریت اسلامی بر اساس معنویات و فرهنگ بنا شده است و هدف آن آخرت گرایی است، افراد جامعه می توانند به قرب الهی دست یابند و تأثیر آن بر تمام امور اجتماعی در کوتاه مدت مشهود خواهد بود. به طور کلی می توان گفت که اسلام در تمام شئون زندگی انسان از جمله مدیریت، رهبری جامعه و قوانین اجتماعی سخن دارد و بکارگیری تعالی انسان را در پی خواهد داشت.

منابع

- احمدی، مسعودی، ۱۳۸۴، مدیریت اسلامی (اصول مفاهیم الگوها) انتشارات پژوهش های فرهنگی افجه ای، سیدعلی اکبر (۱۳۸۷)، " مدیریت اسلامی"، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی
- امیر اعظمی ۱۳۹۲ جستاری در تعریف هاو برداشت صاحب نظران از مفهوم مدیریت اسلامی فصلنامه علمی تخصصی اسلام و مدیریت بررسی اصول مدیریت اسلامی از دیدگاه نهج البلاغه دکتر رحیم وکیل زاده، ۱۳۸۷، سال دوم شماره ۶
- پیروز علی اقا، ابوطالب خدمتی، عباس شفیعی ۱۳۸۶ مدیریت در اسلام قم پژوهشگاه علمی قم
- تقوی دامغانی، سیدرضا (۱۳۷۸)، " نگرشی بر مدیریت اسلام ی"، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- حمیدی زاده، محمدرضا (۱۳۷۸)، " تبیین نقش پی شبینی و آیند هنگری در نظام مدیریت اسلامی"، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۲۰
- دفتر مطالعات مدیریت اسلامی بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع) (۱۳۸۵) "سلسله جلسات مقدمات مدیریت اسلامی"، چاپ نشده.
- دکتر غلام حسین حیدری الگوهای مدیریت در قران و اسلام ۱۳۸۹، فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی شماره سوم
- دکتر عزیز جوانپور هروی، فلسفه مدیریت اسلامی ۱۳۸۷ فراسوی مدیریت « سال دوم _ شماره ۷ _ زمستان
- رضاییان، علی (۱۳۸۲)، " اصول مدیریت"، تهران، انتشارات سمت.
- روح الله تولایی، الگویی برای شناخت مدیریت اسلامی دومهنامه توسعه انسانی پلیس، سال چهارم، شماره ۱۱، خرداد و تیر ۱۳۸۶
- صباحی لکی، بهروز، ۱۳۹۴، مدیریت اسلامی با تاکید بر مدیریت آخرت گرا از دیدگاه امام علی (ع)، دومین کنفرانس بین المللی دیریت و مهندسی صنایع، ترکیه - استانبول،
- عابدی جعفری، حسن و محمد ازگلی (۱۳۸۳) نقطه های آغاز در ترسیم چشم انداز بیست ساله نظام جامع مدیریت اسلامی مجله سلامی سال ۱۳ شماره ۵۲
- عسگریان مصطفی ۱۳۷۰ مدیریت اسلامی تهران جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم
- عسگریان، مصطفی (۱۳۷۰)، " مدیریت اسلام ی"، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم.
- قبادی، اسماعیل (۱۳۷۸)، " اصول و مبانی مدیریت اسلامی"، قم، انتشارات فقه حقرآن کریم (۱۳۶۸)، تهران، انتشارات اسوه، خط عثمان طه
- قران کریم
- قوامی، صمصام الدین ۱۳۸۳، مدیریت از منظر کتاب و سنت، قم، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری
- محمودی جعفر ۱۳۷۹ چپستی مدیریت اسلامی در بوته نقد دانش مدیریت سال ۱۳ شماره ۵۲
- مشرف جوادی محمد حسین ۱۳۷۸ اصول مدیریت در اسلام همدان انتشارات نورعلم
- مشرف جوادی، محمدحسین (۱۳۷۸)، " اصول و متون مدیریت در اسلام"، همدان، انتشارات نور علم.
- مصباح یزدی، محمد تقی ۱۳۷۶، پیش نیازهای مدیریت اسلامی قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
- نبوی محمد حسن ۱۳۷۳ مدیریت اسلامی قم دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- نبوی، محمدحسن (۱۳۸۰)، " مدیریت اسلامی"، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- نقی پور، ولی الله (۱۳۸۱)، " اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن"، تهران، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
- نهج البلاغه
- هاشمی رکاوندی، سیدمجتبی (۱۳۷۹)، " رهبری و مدیریت روابط انسانی و سازمانی در ایران، اسلام و غرب" انتشارات باطن، چاپ اول.